

مشارکت والدین در آموزش

تجربه



ربحانه صادقی
مترجم

گاندی زمانی گفت: «هر خانه یک دانشگاه است و والدین آموزگاران این دانشگاه هستند.» این جمله ساده خبر از واقعیتی بزرگ دارد: میزان مشارکت والدین در فرایند یادگیری دانش‌آموزان ارتباط مستقیمی با میزان موفقیت و دستاوردهای آن‌ها دارد.

مشارکت والدین به این صورت تعریف شده است: «مشارکت والدین در همه وجوه آموزش یک کودک و پیشرفت او از زمان تولد تا بزرگسالی، و اذعان به اینکه والدین اولین انسان‌های اثرگذار بر زندگی فرزندان‌شان هستند.» اولین انسان‌های اثرگذار بر زندگی فرزندان خود بودن شاید خیلی ترسناک باشد. تصور اینکه به عنوان والدین مسئول سلامت اجتماعی، روانی، احساسی و جسمی فرزندان‌تان باشید بار سنگینی بر دوش‌تان خواهد گذاشت. تعجیبی ندارد که بسیاری از والدین از فکر کردن به این موضوع احساس آشفتگی و اضطراب می‌کنند و خود را برای آموزش فرزندان‌شان خارج از کلاس‌های درس فاقد صلاحیت می‌دانند، اما تحقیقات نشان می‌دهند مشارکت هرچه بیشتر والدین حلقه‌ای حیاتی در زنجیره پیشرفت دانش‌آموزان و توانایی آن‌ها برای یادگیری مهارت‌های جدید مانند خواندن و نوشتن است.

در برخی کشورها به صورت نمادین از پدرها و مادرهایی که نقش معلم دارند تقدیر می‌شود زیرا معتقدند پدرها و مادرها اصلی‌ترین نقش را در حمایت از فرزندان‌شان برای یادگیری، رشد، پیشرفت و رسیدن به نهایت توانشان دارند. آن‌ها نقش بزرگی در آموزش فرزندان در سال‌های نخست زندگی‌شان دارند. هر کودکی اولین درس‌هایش را در خانه و از والدینش می‌آموزد.

بزرگداشت این روز از سوی مرکز ملی والدین در مقام آموزگار در شهر سنت لوئیس میزوری آغاز شد. این سازمان اولین بار در سال ۲۰۰۱ این روز را به عنوان روز والدین در مقام آموزگار نام‌گذاری کرد، مفهومی که خیلی پیش‌تر در دهه ۱۹۷۰ در میزوری شکل گرفت. آموزگاران متوجه شده بودند که کودکان دوره پیش‌دبستانی خود را با سطوح مختلفی از آمادگی تحصیلی آغاز می‌کنند و این میزان آمادگی چیزی است که بر عملکرد آن‌ها در کلاس درس بسیار اثرگذار است. از همان ابتدا تصمیم بر این شد که در روز والدین در مقام آموزگار از طریق آگاهی‌رسانی درباره برنامه‌های آموزشی کودکان به گروه‌های محلی از آن‌ها حمایت شود. در این روز، ابزار، منابع و حمایت‌های لازم برای والدین فراهم می‌آید تا بتوانند به طور مؤثر به راهنمایی کودکان‌شان بپردازند. این سازمان در برخی موارد با ارائه خدمات برای زنان باردار و خانواده‌هایشان، توانسته است فرزندان آن‌ها را از زمان تولد تارسیدن به دوره دبستان همراهی کند. یکی از اهداف کلان این سازمان پیش‌گیری از کودک‌آزاری و کوتاهی و بی‌توجهی به آن‌ها، افزایش آمادگی کودکان برای ورود به مدرسه و موفقیت آن‌ها، توسعه و اجرای برنامه سر زدن به خانه‌ها برای بهبود سلامت و ارتقای شرایط رفاهی خانواده‌های دارای فرزندان خردسال است.

نقش والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان در ۲ سال گذشته بسیار پررنگ‌تر هم شده است. کووید ۱۹ تغییرات بی‌سابقه‌ای در میزان تأثیر والدین بر آموزش فرزندان‌شان از پیش‌دبستان تا دبیرستان داشته است. در دوره‌ای نیز که کرونا با ما بوده است، بسیاری از کودکان و نوجوانان در جاهای مختلف دنیا تحصیل‌شان را چه به طور فیزیکی، چه مجازی و چه آمیزه‌ای از هر دوی آن‌ها دنبال کرده‌اند. این تغییرات سبب شده‌اند ارتباط و حمایت بین معلمان، والدین و فرزندان‌شان به مسئله‌ای به مراتب مهم‌تر از سال‌های گذشته تبدیل شود.

این ویروس باعث شد دست کم ۲۰ میلیون دانش‌آموز یک‌باره مجبور شوند خود را با روش‌های جدید آموزش به دور از شبکه حمایتی دوستان خود در مدرسه وفق دهند و مجبور باشند با عوامل حواس‌پرت‌کنی که با آموزش مجازی در خانه همراه است کنار بیایند. از سوی دیگر، نقش والدین نیز از نقش حمایتی در گذشته پررنگ‌تر و مهم‌تر شده است. آن‌ها نیز یک‌باره به همکاران معلمان تبدیل شدند. بسیاری از والدین می‌گویند احساس می‌کنند دوباره پشت میزهای مدرسه نشسته‌اند و دارند فکر می‌کنند چطور به سرعت حساب و دیفرانسیل را یاد بگیرند تا بتوانند به فرزندان‌شان نیز بیاموزند.



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۷ آبان ۱۴۰۰
۲ رجب‌الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲۳

(۷)

نفیسه زمانی
فصل فرهنگی

(ایراندخت)



مهد علیا نواب علیه سلطانم بیگم

نگاهی به زنان مقتدر مسلمان در تاریخ ایران

عصر صفوی به عنوان دوره رسمی شدن مذهب تشیع و دوران طلایی برخی هنرها و تجارت با دیگر کشورها یکی از اعصار مهم تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران به شمار می‌رود. در کنار این اتفاقات فرهنگی، زنانی نیز بوده‌اند که به نوبه خود آثار مثبتی بر جامعه گذاشته‌اند. یکی از زنان قدرتمند دربار صفوی سلطانم بیگم است. در حدود سال ۱۵۱۷ میلادی در موصل، از قلمرو آق‌قویونلوها، چشم به جهان گشود. مذهبش تشیع بود. مهد علیا نواب علیه سلطانم بیگم دختر موسی سلطان از قبیله موصولی‌های ترکمنان بود. پدرش بین امرای قزلباش جایگاه والایی داشت و خویشاوندی آنان با تاجلی بیگم، مادر شاه تهماسب اول، موجب آن را فراهم آورد تا سلطانم بیگم در سال ۱۵۳۰ میلادی به سن چهارده سالگی با شاه تهماسب اول ازدواج کند. ثمره این ازدواج محمدمیرزا، اسماعیل میرزا، مرادمیرزا و گوهرسلطان بیگم بود. از آنجا که تاجلی بیگم، مادر شاه، قصد داشت با نفوذ خود قدرت قزلباشان (یاران نزدیک صفویان) را در امور سیاسی از بین ببرد و قزلباشان به سوء نیت تاجلی بیگم آگاه شدند و در مقابل، آنان نیز شاه را به مادرش بدبین ساختند، فرجام چنین شد که بانوی ارشد دربار، تاجلی بیگم، به دستور شاه تهماسب اول به شیراز تبعید شد و مقام بانوی ارشد دربار به سلطانم بیگم رسید. سلطانم بیگم در تمام تصمیمات همسرش وی را همراهی می‌کرد و مورد مشورت شاه قرار می‌گرفت. بانو سلطانم بیگم به مدت ۴۵ سال ملکه قدرتمند دربار شاه تهماسب اول بود. وی دادگاهی سلطنتی از خود داشت که وزیری به نام خواجه ابراهیم خلیل میرزا، وزارت امور او را انجام می‌داد. سلطانم بیگم توانست لقب مهد علیا را کسب کند. چون شاه فوت کرد، درگیری بر سر جانشینی وی بود و سلطانم بیگم از فرزندش اسماعیل میرزا در رسیدن بر تخت شاهی حمایت کرد. البته در این مسیر، دختر دیگر شاه تهماسب، پریخان خانم، و همچنین طایفه موصولها نیز به دلیل خویشاوندی با سلطانم بیگم وی را همراهی کردند. سرانجام طبق میل سلطانم بیگم امور پیش رفت و فرزندش بر تخت سلطنت تکیه زد و این چنین موقعیت سلطانم بیگم به عنوان ملکه مادر در زمان شاه اسماعیل دوم تثبیت شد. با مرگ شاه اسماعیل دوم، ملکه مادر سلطانم بیگم از پسر دیگر خود، محمد میرزا، برای رسیدن به تاج شاهنشاهی حمایت کرد و در این مسیر نیز پیروز شد. عمر سلطانم بیگم تازمان حکمرانی نوه‌اش شاه عباس یکم نیز به درازا کشید و در دربار شاه عباس اول نیز جایگاه و مقام و منزلت والایی داشت. وی زنی دانشور و سیاست‌مدار بود و نفوذ او در زمان زنده بودن همسر و بینش سیاسی وی موجب آن شد تا فرزندان از نسل وی بر تخت سلطنت بنشینند. بانو سلطانم بیگم با ذکاوت بالای سیاسی، برای برقراری ارتباطات مثبت میان ایران و عثمانی، مکاتباتی با همسر و دختر شاه سلیمان عثمانی داشت و آن‌ها نیز جواب نامه‌های او را می‌نوشتند. بانوی دربار در کنار امور سیاسی به امور مذهبی نیز اهمیتی بسزا می‌داد. به دستور سلطانم بیگم در زمان شاه عباس اول به معماری اماکن مذهبی توجه خاصی شد و به خواست این بانو بارگاه امام حسین^(ع) در کربلا بازسازی شد. علاوه بر این، او به منزلت وقف نیز آگاه بود و وقف‌های زیادی در عتبات عالیات از بانو سلطانم بیگم باقی مانده است. از دیگر کارهای مهم وی موقوفاتی برای روشنایی حرم حضرت عباس^(ع) است. بانو سلطانم بیگم در سال ۱۵۹۳ میلادی دارفانی را وداع گفت. به دستور شاه عباس، پیکر بانوی صفوی را به مشهد منتقل کردند و در حرم امام رضا^(ع) به خاک سپردند.

